



گفتگوی محرمانه‌ای در خانه دکتر مصدق



مقدمه:

همان طور که در شماره قبل به اطلاع رسید، جلسه انجمن مفاخر خراسان در محل دایره‌المعارف ایران‌شناسی با حضور شاعر نامدار ایران، استاد ادیب برومند و گروهی از مهمانان و شاعران و اعضای انجمن مذکور و انجمن ادبی- فرهنگی خراسان تشکیل گردید.

اسماعیل رزم‌آسا، روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران و نویسنده گروه تاریخ این مجله پیرامون ملی شدن صنعت نفت و مذاکره محرمانه‌ای که در خانه مرحوم دکتر مصدق انجام شده بود سخنانی ایراد کرد که از نظر اهمیت و

ثبت در تاریخ ذیلا درج می‌گردد:

گاه و بیگاه می‌بینیم در برخی از نشریات از سر ناآگاهی مطالبی منتشر می‌شود و چهره یکی از مردان بزرگ تاریخ این مملکت را که با بدنی نحیف و کپولت سن برای رهایی ملتی که از مظالم دولت‌های دست‌نشانده وابسته به بیگانه به ستوه آمده و طالب استقلال و آزادی بودند، در برابر یک دولت مکار و استعمارگر قد علم کرد و آن را به زانو درآورد به تصور خود خدشه‌دار می‌سازند که نمی‌توانند زیرا آنهایی که انصاف دارند از او به نیکی یاد می‌کنند و خدمات او را می‌ستایند.

یکی از مسایلی که گاهی توسط مخالفان مرحوم دکتر مصدق و یا افراد ناآگاه به واقیعت امر، مطرح می‌شود، موضوع امضا نکردن طرحی است که مرحوم غلامحسین رحیمیان، نماینده مردم قوچان در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی برای امضا نزد شادروان دکتر مصدق برد و آن مرحوم به دلایل قانونی از امضای آن خودداری کرد، که بعدا به آن و نیز به رازی که مرحوم رحیمیان بعد از انقلاب فاش کرد، خواهیم پرداخت. همین جا اضافه کنم که آن چه به عرض می‌رسانم اسناد آن را در اختیار دارم.

استحضار دارید که شادروان دکتر مصدق با اتخاذ سیاست مبارزه منفی، با دادن هر گونه امتیازی به خارجی‌ها مخالف بود و در مجلس همواره در پی تصویب طرحی بود که امتیازات موجود را لغو کند. در آن هنگام نفت جنوب به موجب قراردادی که در دوران رضاشاه به تصویب رسیده بود، در اختیار انگلیس‌ها قرار داشت و

تبدیل شد و آن پیرمرد به اتفاق چند تن از یاران وفادارش به خانه آن بازرگان شریف آذربایجانی، مرحوم بزرگ هریسچیان که در همسایگی‌اش بود پناه برد و هنگامی که تنها مستخدمی که ساکن آن خانه بود آنها را شناخت، حضور آنان را تلفنی به اطلاع صاحب خانه رساند و آن مرد دلیر و حق‌شناس بی‌هیچ واژه‌های گفت: آقایان شب را مطمئن در خانه من که متعلق به خودشان است بمانند، جان و مال من فدای دکتر مصدق! که مرحوم دکتر صدیقی، معاون مرحوم دکتر مصدق و وزیر کشور کابینه او، در خاطراتش ماجرای آن شب هولناک و غم‌انگیز را شرح داده است.

ابتدا لازم می‌دانم نظر مقام معظم رهبری را در مورد مرحوم دکتر مصدق نقل کنم و بعد به اصل موضوع بپردازم. ایشان در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۳ در دیدار با دست‌اندرکاران و مسوولان جامعه مطبوعات کشور در مورد مرحوم دکتر مصدق فرمودند: "... دیدید در این کشور با مصدق چه کردند، مصدق فقط می‌خواست مستقل باشد. می‌خواست نفت کشور در اختیار کمپانی‌ها قرار نگیرد، ولی دیدید که پدرش را درآوردند... و کار را به آن جا رساندند که دستگاه مصدق را نابود کردند و آن همه تلاش مردم را به هدر دادند. یک کسی مثل مصدق که به راحتی صاحب قدرت نمی‌شود. یک ملت تلاش می‌کنند، هزاران نیت صادق به کار می‌آیند تا یک دولت ملی روی کار می‌آید..."

با وجود چنین اظهار نظر صریح و شفافی، معذالک

سلام می‌کنم به مهمانان ارجمند و همشهریان گرامی

ضمنا از جانب صاحب این محفل ادبی و انس و محبت، پروفیسور امین عزیز به مهمانان محترم که قدم رنجه فرموده‌اند عرض می‌کنم:

گر کلبه محقر است و تاریخ بر دیده روشنت نشانیم خانم‌ها، آقایان

یکی از وقایع مهمی که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به وقوع پیوسته ملی شدن صنعت نفت بود. با این که ۵۶ سال از آن تاریخ می‌گذرد، معذالک هر روز اهمیت این واقعه تاریخی بیشتر جلوه می‌کند.

زیرا ملی شدن صنعت نفت صرف نظر از این که از لحاظ درآمد آن، جایز اهمیت است و ما را از کمک‌های خارجی که معمولاً به خاطر مصالح سیاسی انجام می‌شود بی‌نیاز کرد، کشور ما و ملت ما را که سال‌ها زیر سلطه بیگانگان قرار داشت رهایی بخشید.

با این توضیح، اجازه می‌خواهم امشب بعد از شرح کوتاهی از چگونگی تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت، شما علاقه‌مندان به این وقایع مهم را برای اطلاع از مذاکره محرمانه‌ای به خانه مرحوم دکتر مصدق که همین نزدیکی‌ها یعنی خانه شماره ۱۰۹ در همین خیابان فلسطین جنوبی و کاخ سابق قرار داشت ببرم و از رازی آگاه سازم که ۲۸ سال پیش فاش شد. همان خانه‌ای که روز ۲۸ مرداد ۳۲ به تحریک عوامل خارجی به ویرانه‌ای

امتیاز شیلات شمال هم به روس ها داده شده بود. شوروی های همیشه طماع به این هم قانع نبوده و در صدد بودند که به منابع نفت شمال هم دست یابند.

دکتر مصدق در نطق تاریخی خود در هفتم آبان ۱۳۲۳ در مجلس چهاردهم گفت: "... هر گاه ما تعقیب از سیاست مثبت کنیم باید امتیاز نفت شمال را هم برای ۹۲ سال بدهیم و به این طریق موازنه سیاسی برقرار کنیم..."

بر اثر نطق ها و فعالیت های پارلمانی دکتر مصدق، افکار عمومی برانگیخته شد و آن مرحوم در جلسه یازدهم آذر ۱۳۲۳ هنگامی که سهام السلطنه بیات، برنامه دولت خود را به مجلس تقدیم می کرد، ضمن نطق مشروعی اظهار داشت:

"... چون نظریات من راجع به مخالفت با امتیاز در جلسه هفتم آبان مورد تصدیق مجلس واقع شده این است که طرحی تهیه نموده ایم که هیچ دولتی نتواند راجع به امتیاز نه مذاکره نماید و نه قراردادی امضا کند و فقط راجع به فروش نفت با هر دولتی که مشتری است داخل مذاکره شود..."

وی به دنبال قرائت طرح، سهام السلطنه بیات، نخست وزیر جدید را که خواهرزاده اش بود مورد خطاب قرار داد و گفت:

"... اگر قصور کنید، شما و هیات شما را خادم مملکت نمی دانم. باید به استخراج نفت به دست خود ما، اهمیت بدهید و برای این کار وزارتخانه ای تشکیل دهید و هر چه زودتر یک وزیر صاحب عقیده و کاردان معین کنید و برای مردم بیکار تهیه کار نمایید..."

طرح پس از مذاکرات مفصلی که در همان روز انجام شد، با وجود مخالفت حزب توده، به تصویب اکثریت مجلس رسید. علت مخالفت حزب توده با این طرح این بود که آن روزها، کافتارادزه معاون وزارت خارجه شوروی در راس هیاتی برای گرفتن امتیاز نفت شمال به ایران آمده بود و تصویب این طرح هر گونه مذاکره ای را با نمایندگان دول خارجی می بست.

سیدمصطفی خان کاظمی، نماینده کرمان در موافقت با طرح گفت: "بنده اجازه می خواهم قبل از این که عریضم را عرض کنم به نام ملت ایران و به نام نمایندگان ملت ایران از نبوغ آقای دکتر مصدق سپاسگزاری کنم و از شخص ایشان هم غیر از این انتظاری نمی رفت که در این موقع یک چنین راه حلی که برای نجات ملت ایران است پیشنهاد کردند..."



روز بعد مرحوم غلامحسین رحیمیان با اشاره به سخنرانی های دکتر مصدق درباره زبان هایی که به سبب قرارداد نفت به ملت ایران وارد شده و طرحی که به تصویب رسیده، طرحی را که خود تهیه کرده بود به این شرح قرائت کرد:

"مجلس شورای ملی ایران، امتیاز نفت جنوب را که در دوره استبداد به شرکت داری واگذار شده و در دوره دیکتاتوری نیز آن را تمدید و تجدید نموده اند به موجب این قانون الغاء می نماید. غلامحسین رحیمیان." رحیمیان پس از قرائت طرح، به طرف مرحوم دکتر مصدق رفت و از وی خواست آن را امضا کند اما او از امضا خودداری کرد زیرا فکر ملی کردن نفت را در سراسر کشور در سر داشت.

عدم امضای طرح، جنجال فراوانی در نشریات حزب توده به راه انداخت، روزنامه آژیر متعلق به سیدجعفر پیشه وری در ۲۴ آذر ۱۳۲۳ خطاب به دکتر مصدق نوشت: "... شما از آزادی ملت می ترسید. شما اگر واقعا ملت پرست هستید و واقعا می خواهید فداکاری کنید بفرمایید این گوی و این میدان، نبرد را از این جا آغاز کنید. امتیاز مضر داری را لغو فرمایید..."

شما واقعا خیال می کنید خواهند گذاشت با سرمایه



داخلی نفت استخراج کنید...؟"

دکتر مصدق چهار روز بعد در جلسه ۲۸ آذر مجلس در جواب گفت:

"... آقای پیشه وری پیشنهاد من به مجلس از نظر مخالفت با رژیم نبود و از نظر وطن پرستی است... من به تمام مقرراتی که حمایت از رنجبر می کند معتقدم. من غیر از حمایت از این طبقه راهی ندارم و نمی خواهم که کارگری به نفع سرمایه دار، بیچاره و زبون شود. ایراد من به شما این است که مرام را از سیاست تفکیک نمی کنید..."

دکتر مصدق که خود حقوق دان برجسته ای بود اشکال حقوقی طرح رحیمیان را برشمرد و گفت:

"... تصویبات مجلس بر دو قسم است، ایقاع و عقده. یک قسمت از تصویبات مجلس ایقاعات است. این قبیل قوانین چون طرفی ندارد همان طور که مجلس آنها را وضع می کند بر حسب مقتضیات می تواند آن را فسخ نماید. قسمت دیگر عقده است که مربوط به اسنادی است که اصل ۲۴ قانون اساسی تعیین می کند. عهدنامه ها و مقاوله نامه ها، اعطای امتیازات انحصار تجاری و صنعتی و فلاحات و غیره، که اسناد آن وقتی ارزش قانونی دارند و معتبرند که مجلس قراردادی را که دولت فصولنا امضا می کند تفویض نمایند و نظر به این که هر قراردادی در طرف دارد و به ایجاب و قبول طرفین منعقد می شود، لذا طرفین رضایت به الغاء ندهند قرارداد ملغا نمی شود... و مجلس نمی تواند قانونی را بدون مطالعه و فکر و به دست آوردن راهی قانونی الغاء نماید..." روزنامه آژیر که قبلا به سبب عدم امضای طرح رحیمیان به دکتر مصدق حمله کرده بود، با توضیحی لحن خود را تغییر داد و در شماره ۳۲۹ مورخ سوم دی ماه ۱۳۲۳ ضمن تایید این موضوع که دکتر مصدق در دوره دیکتاتوری محرومیت فراوان دیده و مرد با وجدانی است نوشت:

"مردم دنیا امروز به دو تیپ و دو دسته بزرگ تقسیم شده اند، ما هم باید حساب کار خود را کرده و دوستان و دشمنان خود را بشناسیم، روی منافع و مصالح کشور خود به یکی از آنها ملحق شویم چاره دیگر نیست، هر کس می گوید ایرانی تنها بدون در نظر گرفتن سیاست بین المللی می تواند به هدف و آرمان خود برسد یا احق است یا خائن..."

نه امروز بلکه همان روز هم همه می دانستند که منظور پیشه وری (الحاق ایران به کلام کشور است) و امروز هم که بیش از شصت سال از آن تاریخ می گذرد در روزنامه کیهان ۱۳ مرداد ۸۱، صفحه ۸، در مقاله نیمه پنهان می خوانیم: "... حزب توده، علی رغم ادعاهای

ضد امپریالیستی، در مساله ملی کردن صنعت نفت فقط بر لغو امتیاز بیگانگان (آن هم فقط انگلستان) اصرار می‌ورزید... و علاقه‌مند و مدافع اعطای امتیاز نفت شمال کشور به شوروی بود...

البته در میان اعضای حزب توده کسانی بودند که به سیاست این حزب در مقابل مرحوم دکتر مصدق در دوران نخست‌وزیری اش اعتراض می‌کردند ولی گوش شنوایی نبود. برای نمونه در مصاحبه یکی از افسران عضو سازمان نظامی این حزب که در کتاب گذر از توفان آمده می‌نویسد: "... می‌گفتیم این چه سیاستی است که حزب توده در قبال مصدق دنبال می‌کند؟ نفت ملی شده و انگلیس‌ها را بیرون کردند ولی حزب هنوز دارد به مصدق حمله می‌کند این مرد چه گناهی کرده؟" ولی چون این سیاست‌ها در بیرون از مرزها تدوین می‌شد، اعتراضات ره به جایی نمی‌برد.

اما رازی که مرحوم رحیمیان بعد از انقلاب فاش کرد چه بود؟ آن مرحوم می‌گوید: "در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی هنگامی که طرح لغو امتیاز نفت جنوب را که در دست انگلیس بود به مجلس دادم، ابتدا از



غلامحسین رحیمیان

مرحوم دکتر مصدق درخواست کردم اولین کسی باشد که این طرح را امضا نمایند. اما ایشان در پاسخ گفتند فعلا امضا نمی‌کنم. بیایید منزل من در این باره صحبت کنیم. رحیمیان می‌گوید: همان طور که قرار شده بود، من به منزل ایشان رفتم و مرحوم دکتر مصدق در کمال ملاحظت فرمود: "شما یک فداکاری بزرگ کرده‌اید، که این طرح را به خاطر ملت ایران تهیه کرده‌اید اما یک فداکاری بزرگ‌تر شما این خواهد بود که این طرح را رسماً در این مجلس مطرح نکنید زیرا هنوز زمینه حاضر نیست به اضافه به نمایندگانی که در مجلس فعلی اکثریت دارند نمی‌شود اطمینان کرد. بنابراین ممکن است این طرح رد بشود. پس لازم است موضوع این طرح دنبال بشود تا

آن‌شاءالله موقع اش برسد و عمل کنیم والا اگر حالا این طرح مطرح بشود با اکثریت فعلی نمایندگان مجلس که من آنها را می‌شناسم ممکن است این طرح رد بشود. آن وقت گرزک به دست انگلیس‌ها می‌افتد و خواهند گفت اگر ادعا دارید این امتیاز در دوران دیکتاتوری (رضاشاه) تمدید شده و قانونی نیست، حالا که مجلس آزاد دارید این مجلس لغو شدن آن را رد کرده است. به این جهت در آینده دچار مشکلات زیادی خواهیم شد." رحیمیان می‌گوید: "من فکر کردم فرمایشات ایشان بسیار به جا و صحیح است و از این رو با این که چند نفر از امضاکندگان اصرار داشتند این طرح در مجلس مطرح بشود، از این اقدام صرف‌نظر کردم. منتهی همان طور که دکتر مصدق فرموده بود تا آخر دوره پانزدهم که در مجلس بودم در هر فرصت با قرارداد نفت جنوب مخالفت می‌کردم که شرح آن در مذاکرات مجلس و در روزنامه‌های آن زمان نقل شده است.

چون قرار ما با دکتر مصدق این بود که مذاکره ما در منزل ایشان محرمانه بماند، در آن موقع و از آن به بعد هر کس و هر وقت از من سوال می‌شد که صحبت شما با دکتر مصدق چه بود و ایشان چه گفتند هرگز جوابی ندمم. اما امروز لازم می‌دانم این راز را فاش سازم و این مطلب را به همه هموطنانم بگویم تا مخصوصاً کسانی که در آن موقع به مخالفت با مرحوم دکتر مصدق اقدام می‌کردند، اگر هنوز زنده هستند از این حقیقت تاریخی باخبر شوند...."

وقتی دولت انگلیس به دیوان داوری بین‌المللی لاهه از دولت ایران شکایت کرد، مرحوم دکتر مصدق برای تهیه مدارکی که ارایه آن را به دیوان ضروری می‌دانست، به دو تن از نمایندگان پیشین مجلس که به آنان اطمینان داشت یعنی مرحوم رحیمیان و ناصر خان قشقایی ماموریت داد پرونده انتخابات مجلس‌های گذشته، مخصوصاً انتخابات دوره نهم را که قرارداد نفت ۱۹۳۳ در آن دوره به تصویب رسیده بود، گردآورند و برای انجام این دستور با مراجعه به وزارت کشور، اسناد را جمع‌آوری کنند و در صندوق‌های قفل شده نگه دارند و کلید آن را هم برای خود او بیاورند. آقایان قشقایی و رحیمیان کار خود را به جست‌وجو در بایگانی‌های رایکد وزارت کشور آغاز کردند. پس از چند روز ناصر قشقایی به علت گرفتاری‌های شخصی و ایلی نتوانست چنان که باید وقت خود را برای دنبال کردن این کار اختصاص دهد، اما رحیمیان دنبال کار را گرفت و توانست با بررسی پرونده‌ها به چند اشکاف لاک مهر شده دست یابد که در آنها اسناد رمز وزارت کشور بایگانی شده بود و در آنها دستورات رمزی از دربار رضاشاه برای فرماندهان ارتش

صادر شده بود که در استان‌ها کار انتخابات را زیر نظر بگیرند و نام اشخاص مورد نظر دولت را به عنوان نماینده مجلس از صندوق‌های رای بیرون بیاورند. نام و فهرست کامل افراد مورد نظر نیز در این اسناد وجود داشت و عیناً با نمایندگان به اصطلاح منتخب دوره نهم تطبیق می‌کرد، در این اوراق که اسناد مسلمی از دخالت دولت در انتخابات بود، جمع‌آوری شد و در اختیار دکتر مصدق قرار گرفت و او آنها را با خود به شورای امنیت و دیوان داوری بین‌المللی لاهه برد و با استفاده از آنها به دنیا نشان داد که دولت و مجلس و قانون‌گذارانی که قرارداد نفت تحمیلی بر ایران را تصویب کرده‌اند، نماینده منتخب مردم نبوده‌اند و همین اسناد یکی از دلایل صدور رای به نفع ایران شد و افتخار بزرگی نصیب ما گردید.

به همین جهت شادروان دکتر مصدق طی نامه شماره ۲۳۱۲۸ مورخ ۳۰/۹/۵۵ از رحیمیان به این شرح قردادانی می‌کند:



این بود موضوع مذاکرات محرمانه در خانه مرحوم دکتر مصدق در مورد ملی شدن صنعت نفت. با این توضیح امید است آنهایی که گاهی دانسته و یا ندانسته عدم امضای طرح پیشنهادی مرحوم رحیمیان را که به دلایل قانونی بوده، سوژه‌ای برای حمله به آن مردی که تا تاریخ هست نام او به درستی و فداکاری در راه میهن باقی خواهد بود، قرار ندهند و بدانند که: شب‌پره از رونق بازار آفتاب نکاهد.